

## گذشته پرستی

آیا می‌بنداری که مردم تنها پروردگارشان را می‌پرستند و فقط شاعر و احکام او را بکار می‌بندند و تنها از او اطاعت می‌کنند و او را بزرگ می‌دارند؟ نه، هرگز چنین نیست. مردم را جز از خدای یگانه معبود دیگری است که در برابر او سر اطاعت و فرمانبرداری می‌سایند و او را تقدیس و اطاعت می‌کنند و در کارها و اعمالشان تحت تأثیر او هستند؛ آن معبود، گذشته است با همه‌ی آداب و سنن و رسوم و افکار وابسته‌ی آن.

اگر وجه تمایز برجسته و بزرگ آدمی، تجدید نظر در کارها و بهتر کردن امور و قضایا و تغییر و تحول و تطور در آنست، در او گذشته از این خصیصه و صفت، عنصر نیرومند موروث دیگری هست که از اصل و ریشه‌ی حیوانی او سر چشمه می‌گیرد و بر او حاکم و فرمانده است و آن عنصر، عنصر ثبات و استقرار و درجا زدن است و بر پا داشتن آداب و رسوم کهن و باستانی و سنت‌های دیرین با همه‌ی قدمت و کهنگی آن.

اگر انسان بکاری دست می‌زند و یا اگر از آن گریزان است، بدین سبب نیست که او سود و زیان آن کار را بدقت مورد بررسی و محاسبه قرار داده و فرجام آن را سنجیده بلکه از این نظر است که پیش از او دیگران نیز چنین کردند. مصیبت اینجاست که نسل جدید از نسل قدیم و گذشته پیروی و تقلید می‌کند همان‌طوریکه کله‌گوسفند در راه روی و پرش از خر پیروی و اقتداء می‌کند.

در آن چه می‌خوریم و یا نمی‌خوریم، می‌نوشیم و یا نمی‌آشامیم و چگونه می‌خوریم و یا می‌نوشیم و چه می‌پوشیم و چگونه می‌پوشیم و در بزرگداشت و تحقیر ما نسبت به دیگران و در مجامله و تعارفات معمولی و جمله‌ها و عبارات رد و بدل شده میان ما و دیگران و در ارقامی که آن را به فال بد می‌گیریم یا فال نیک، و چرا می‌جنگیم، و چگونه می‌جنگیم، و سیستم حکومت و کیفیت آن، و سبک‌های شعر شاعران و بحور و اوزان شعر و اسالیب نظم و نثر، و آداب معاشرت، و بر خورد با دیگران، و احترام به توانگران و تحقیر به تهیدستان و بینوایان، و هزاران هزار از این امثله و شواهد را در زندگی مادی و سیاسی و هنری و عقلی و فکری و اقتصادی و اجتماعی و ادبی، بدین سبب انجام نمی‌دهیم که در حقیقت آن را در ترازی عقل و خرد نهاده‌ایم و خوب و بد آن را سنجیده‌ایم بل که در آنچه می‌کنیم از آباء و اجدادمان و نیاکان پیروی و تقلید می‌کنیم.

تعداد آنان که می‌توانند در گردابها بر ضد جریان آب شنا کنند و به مبارزه و جدال پردازند و از پیکار و رزم نهراسند کمتر از کم است، اینگونه افراد در طول نسل‌ها پدید

می آیند و با نیروی ابتکار خود می توانند گذشته و گذشته پرستی را تکفیر کنند و کارها را به خاطر ارزش ذاتی و قیمت اصلی آن بسنجند نه رسوم و آداب معمول و سنت های دیرین متداول؛ اینان که میان زشت و زیبا و معقول و نامعقول تمیز می دهند و از سیستمها و افکار و عقاید و عادات و رسوم آنچه، مستحق بقاء و شایسته احترام است بر قرار میدارند و آنچه باید نابود شود و فنا پذیرد به نابودی و فناء آن سعی و مجاهدت می کنند.

هزاران سال از تاریخ بشری سپری شد تا انسان دریافت که بت پرستی کاری سخیف و عبث است و در بند کشیدن و بردگی انسان ها کاری است تنگین و زشت و پلید... هزاران سال از تاریخ بشری میگذرد ولی هنوز پیشوایان ملت ها درك نکرده اند که جنگ، وحشی گری است.

بدیهی است که هر سیستمی که وضع و برقرار می شود باید بسود ملت و مردم باشد و باید آن سیستم مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گیرد تا سود و صلاحیت آن بثبوت برسد و اگر بر اثر مطالعه و بررسی دقیق و عمیق خیر و نفع آن حتمی به نظر رسید برقرار و پایدار بماند و اگر جز این بود لغو و مطرود شود ولی افسوس که این بدیهیات عقلی از آن چه مردم بدان عمل می کنند بدور است؛ بندرت اتفاق می افتد که امور و قضایا و مسائل را بر مبنای عقل و خرد و سنجش قرار دهند بل که در آن چه می کنند مقلدند و پیرو و مقتدی.

غربی ها در این زمینه گامی فرا پیش نهاده اند فی المثل آنان بسیاری از امور مادی را در آزمایشگاه به آزمایش گذارده اند و نتیجه آزمایش و تجربه را به دقت بررسی و مطالعه کرده بر پایه و شالوده اینگونه آزمایشها و تجارب اساس و بنیان کشاورزی خود را زیر و رو کرده اند و از تقلید و پیروی از پیشینیان دست کشیدند و همین کار را در صنعت انجام داده اند و افزار و وسایل تمدن را اختراع کردند ولی سیستم های اجتماعی و افکار و عقاید سیاسی و اقتصادی و امور مربوط به صلح و جنگ را در آزمایشگاه عقل خود و تجربه مورد فحص و بحث قرار نداده اند و هنوز هم به ندای تقلید و رسم و عادت گوش فراداشته اند و گذشته و آداب و رسوم آن را می پرستند و بدان صادقانه عشق میورزند و صمیمانه وفادارند.

اما در مشرق زمین گذشته پرستی و سنت گرایی در مادیات و امور دیگر غلبه دارد. هنوز هم در زراعت و صنعت از اجداد و نیاکان خود تقلید می کنند و هنوز هم تابع و مطیع سیستم های مالی و سیاسی و اقتصادی هستند که در قدیم حاکم بود مگر به ندرت که پای از دایره قدیم بیرون می نهند با این همه چه شرق و چه غرب هر دو گذشته پرستند و سنت گرا اگر چه در میزان عبادت و پرستش گذشته و سنت گرایی و دیرینه پرستی و کیفیت و نوع آن مختلف و متفاوت باشند... و اگر انسان بکمال رهبران خود توفیق یابد که هر چیزی و هر پروژه و طرحی و هر پیشنهادی را در بوتۀ آزمایش و تجربه بگذارد و حدود منفعت عمومی آن را بسنجد و با هم از میزان و مقدار دیرینه پرستی و سنت گرایی بکاهد بی هیچ شك و تردید جهان را پیش می جهانند و به بسیاری از آرزوها و آرمان های خود جامه تحقق می بخشند و به سعادت و بهروزی میرسند. امروز جهان تعامل و توازن خود را از دست داده سبب اینست که آدمی بسیاری از امور را به میزان و معیار عقل و ترازوی خرد می سنجد و آن را بمقتضای عقل و خرد بکار می بندد و همچنین برخی از امور و مسائل را بمیزان و

ترازوی عواطف و احساسات راستین سنجیده بمقتضای شعور ذاتی بکار می‌بندد ولیکن از نظر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هنوز هم به عادت ماضی و دیرینه پرستی و سنت‌گرایی پای بند است و در این حال مانده کسی است که دو دستش از غل و زنجیر باز و آزاد و دو پایش در زنجیر و بند باشد .

این همه ترس و هراس که بر مردم مستولی و چیره‌ور است از چیست؟ این همه قربانیان جنگ از چیست؟ این همه آشوب و آشفتگی و هرج و مرج و اضطراب روز افزون و آشکاری که در همه جای گیتی حکمفرماست از چیست؟ سبب و موجب اصلی آن بت‌هایی هستند که مردم عموماً و پیشوایان سیاسی و رؤسای حکومت‌ها و سرمایه‌داران بزرگ و صاحبان صنایع سنگین خصوصاً به عبادت و پرستش آن مشغولند؛ یکی از بزرگترین این اصنام و بتان صنم و بتی است که آن را استعمار و توسعه طلبی نام است .

کشورهای پیروز در جنگ بدون اندیشه و تفکر در پرستش این بت مسابقمیدهند ، زیرا گذشتگان در گذشته آنرا پرستیدند و اینان هم آن را به تقلید می‌پرستند نه بتحقیق ، ولیکن آیا از نظر حق و حقیقت و عدل و داد و آرامش خاطر و سکون درون سود و زیان استعمار حتی برای خود استعمارگران مورد بررسی و مطالعه و بحث و تحقیق قرار گرفته؟ و اگر آن‌چه که استعمارگران و فاتحان از اموال و ثروت ملی استعمارشدگان و مغلوبین بدست می‌آورند مقایسه بشود با آنچه که برای تهیه ساز و برگ سر بازار در جنگ و صلح و جنگ آدائی مصرف میشود باضافه قربانیان جنگ و مخارج هنگفت مالی صرف نظر از اضطرابات روحی ؛ حتماً و قطعاً نتیجه این خواهد بود که مضرات استعمار و زیان آن بمراتب بیش از منافع و سود آنست و همچنین اگر میزان مواد خامی را که استعمارگران از مستعمرات و ممالک مفتوحه بدست می‌آورند و احتکار می‌کنند مقایسه بشود با آنچه که اینگونه مواد خام در دسترس عامه مردم باشد و هر کس بتواند بقدر استطاعت و توانایی از آن سود برد ؛ روشن خواهد شد که احتکار مواد خام بوسیله استعمارگران موجب جنگ و ستیز می‌شود ولی شق دوم موجب صلح و آشتی است . آیا استعمار و تأثیر آن در نیکبختی جهانیان مورد تحقیق قرار گرفته و چنین نتیجه گرفته شده که سعادت و خوشبختی ملتی بستگی دارد به میزان استعماری که از آنان می‌شود؟ حقیقت اینست که اینگونه مسائل و امثال آن هنوز چون مسائل مادی در بوته آزمایش و تجربه و آزمون قرار نگرفته ؛ پیشینیان بخاطر باقی مانده خوی و حشیکری خود بدان دست می‌بازند و متأخرین هم به تقلید از آنان به پرستش این بت باستانی پرداخته‌اند . این مسأله در سیستمهای اقتصادی نیز صادق است زیرا سیستم‌های اقتصادی برای حفظ منافع و مصالح اقویا و نیرومندان است نه برای حفظ و حراست منافع و مصالح صاحبان حق ، سیستمهای اقتصادی موجود ، بیش از آن که بسود اصحاب حق باشد بسود غارتگران است با اینکه خطای سیستمهای اقتصادی موجود ، پیدا و آشکار است ؛ با اینهمه کسی را یارای آن نیست که این بت را بشکند و بدور افکند زیرا بتی است باستانی و سنتی ، و معبود دانشمندان اقتصاد .

آنچه مایه بدتر شدن کارهاست ، اینست که زمام امور و سر و دست در دست مثنی از

از مردمی است که به افکار و عقاید کهن و باستانی گراییده اند و حسن تقلید از سنت‌ها و آئین و آداب و رسوم قدیمه محرک و مشوق آنان است. افکار و عقاید و حسن تقلیدشان مولود دو چیز است یا از اعتقاد کاملی است که بدان دارند و یا از فشاری است که اجتماع بر آنان وارد میکند. اما آنان که مردم را به تجربه و بررسی و آزمایش مسائل و قضایا و امور دعوت می‌کنند چیزی در دست ندارند ولی در مقابل دستداران بتان کهن از همه چیز برخوردارند و متمتع‌اند و بهره‌مند.

آیا همه سختی‌ها و مصیبت‌هایی که آدمی در دو جنگ خانمان بر انداز جهانی متحمل شده است و همچنین ترس و وحشت و هراسی که از آینده دارد کافی نیست که چشم‌بند بی‌خبری را از دیدگان او بردارد تا بداند که در همه سالیان زندگانی خود مفتون و شفته و شیدائی اصنام و بت‌هایی بوده که نه سود دارند و نه زیان و وجود و عدم‌شان یکسان است و همچنین بفهمد که پرستش اینگونه بتان موجب نکون بختی و تیره‌روزی اوست تا آن را بشکند و درهم فرو ریزد و از آن انتقام بگیرد و بداند که تنها حق است که سزاوار پرستش و مستوجب عبادت است نه کهنه پرستی و سنت‌گرایی‌های بیهوده و بی‌حاصل؛ این تنها امید‌رهایی بشریت است و الا وای بر انسان.

عنوان مقاله بربی: «عبادۃ‌الماضی» است. این مقاله عربی در کتاب «درس‌اللفظ - والادب» چاپ دانشگاه تهران گرد آورده‌آقای دکتر محمد محمدی ضبط است. این کتاب مجموعه‌ی از مقالات و اشعار عربی و کتاب درسی نیز هست و دردانشگاه نیز تدریس می‌شود. آقای دکتر محمد محمدی استاد دانشگاه تهران است.

دکتر احمد امین ادیب و دانشمند و متفکر مصری استاد فقید دانشگاه قاهره است. تألیفات پر ارج فراوانی دارد که بسیاری از آن را استاد گرانمایه آقای عباس خلیلی بفارسی ترجمه کرده‌اند.

## نه گوید، نه جوید... ..

نه یاری که روزی وفائی نماید	نه صبری که با هیچ سختی برآید
نه چشمی که روی هدایت ببیند	نه عقلی که راه هدایت نماید
نه مردی که با هیچ دردی بسازد	نه جهدی که با هیچ عهدی بیاید
نه نجمی که سعدی بود زو توقع	نه نحسی که کاری از او برگشاید
چو مفهوم شد مرد را این معانی	سزد گر بکوی قناعت گراید
نه گوید، نه جوید، نه بیند، نه پوید	نه خواهد، نه نرجد، نه کاهد، نه... ..
	ابوطاهر خاتونی - شاعر عهد دیالمه